

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب

درسنامه ادبیات فارسی پایه هفتم

کاری از:

فائزه محرابی: معاون آموزشی دبیرستان ارشاد

مصطفی ناصری: دبیر ادبیات فارسی دبیرستان شاهد شهید عیسی ذاکری

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

« دست توانای معلم است که چشم انداز آینده ما را ترسیم می کند. »

« مقام معظم رهبری »

مقدمه:

در سال تحصیلی گذشته، در پی شیوع ویروس کرونا، آموزش‌های مجازی جایگزین آموزش‌های حضوری مدارس شد.

در این بین نیز برخی معلمان، با ابتکار و خلاقیت، سعی در تداوم امر آموزش و برقراری ارتباط هرچه بیشتر مجازی با دانش آموزان داشتند.

گفتنی است تعدادی از دانش آموزان به دلیل عدم دسترسی به تلفن همراه هوشمند یا اینترنت از آموزش‌های مجازی محروم شدند که برای تحقق عدالت آموزشی به شیوه‌های دیگر، از آموزش بهره مند شدند. یکی از این شیوه‌ها، تولید و تالیف درسنامه برای این دسته از دانش آموزان بود.

در این روزهای کرونایی مصمم شدیم تا با تولید درسنامه کتاب ادبیات فارسی پایه هفتم، برای سال تحصیلی جدید، گوشه‌ای از دلواپسی خانواده‌ها را برای آموزش فرزندانشان کاهش دهیم و امیدواریم که در ادامه نیز در کنار آموزش‌های حضوری در مدارس، این نوع درسنامه‌ها برای یادگیری بهتر مطالب به دانش آموزان کمک کند.

این درسنامه تمامی دروس کتاب فارسی (به جز دروس آزاد: درس پنجم و پانزدهم) را شامل می‌شود که در هر درس معانی کلمات، معانی اشعار، دانش‌های زبانی و ادبی، آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات و آثار نویسندگان و

..... به روشی ساده، خلاصه و مفید بیان شده است. در قسمت پایانی درسنامه نیز به تفکیک هر درس، سوالاتی طرح شده تا دانش آموز پس از مطالعه هر درس برای ارزیابی خود به سوالات پاسخ دهد.

لازم به ذکر است که قسمت خودارزیابی و تمرین نوشتن کتاب فارسی در این درسنامه حذف شده است چرا که توصیه می‌شود دانش آموز پس از مطالعه درسنامه و با راهنمایی دبیر محترم خود، به این بخش‌ها پاسخ دهد.

امید است با یاری خداوند متعال، همگی عزممان را برای زمین‌گیر کردن ویروس کرونا جزم کرده و در عین حال از وظایف شغلی خود غافل نشویم.

به امید روزهای بهتر و سرشار از سلامتی

«تابستان ۱۳۹۹»

مصطفی ناصری

فهرست

صفحه	عنوان
۱	ستایش
۴	درس اول: زنگ آفرین
۱۰	درس دوم: چشمه معرفت
۱۲	درس سوم: نسل آینده ساز
۱۴	درس چهارم: با بهاری که می رسد از راه، زیبایی شکفتن
۱۷	درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟
۱۹	درس هفتم: علم زندگانی
۲۴	درس هشتم: زندگی همین لحظه هاست
۲۶	درس نهم: نصیحت امام، شوق خواندن
۲۸	درس دهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف، زندگی حسابی، فرزند انقلاب
۳۳	درس یازدهم: عهد و پیمان، عشق به مردم، رفتار بهشتی، گرمای محبت
۳۵	درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران
۳۸	درس سیزدهم: أسوه نیکو
۴۱	درس چهاردهم: امام خمینی (ره)
۴۳	درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک
۴۶	درس هفدهم: ما می توانیم

یاد تو

شاعر: نظامی گنجوی

قالب شعر: مثنوی یا دو تایی

آثار: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندرنامه

بیت اول:

ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

سر آغاز: شروع ✨ نامه: کتاب یا نوشته ✨

نثر روان: ای خدا نام زیبای تو بهترین شروع است و من هیچ گاه بدون نام تو کتابم را شروع نمی کنم.

بیت دوم:

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

مونس: رفیق و دوست ✨ روان: روح و جان ✨

نثر روان: ای خدا یاد تو دوست و رفیق جان و روح من است. فقط نام تو را بر زبان دارم (همیشه ذکر تو را بر لب دارم)

بیت سوم:

ای کار گشای هر چه هستند نام تو کلید هر چه بستند

کارگشا: برطرف کننده ی مشکلات ✨ هر چه هستند: موجودات ✨

هر چه بستند: مشکلات و گرفتاریها ✨ (نام تو مانند کلید است: ← تشبیه)

نثر روان: تو برطرف کننده مشکلات هستی و نام تو کلیدی برای درهای بسته است.

بیت چهارم:

ای هست کن اساس هستی کوتاه ز درت دراز دستی

اساس: پایه و بنیاد ✨ کوتاه: مخفف کوتاه ✨ درازدستی: ستمگری و زورگویی ✨ درت: درگاه تو ✨

نثر روان: ای به وجود آورنده جهان، انسان های ظالم و زورگو، زورشان به تو نمی رسد.

بیت پنجم:

هم قصه ی نانموده دانی هم نامه ی نانوشته خوانی

نانموده: آشکار نشده و پنهان ✨ نانوشته: نوشته نشده ✨

نثر روان: ای خدا تو از تمام قصه های پنهان و نامه های نوشته نشده، آگاه هستی. (خدا از همه چیز باخبر است)

بیت ششم:

هم تو به عنایت الهی آنجا قدمم رسان که خواهی

☀️ عنایت: توجه، لطف

نثر روان: خدایا با لطف و احسان خودت من را به جایگاهی که صلاح می دانی برسان.

بیت هفتم:

از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

☀️ ظلمت: تاریکی و گمراهی

نثر روان: ای خدا من را از تاریکی و گمراهی های خودم نجات بده و با نور علم و آگاهی خودت آشنا کن.

☀️ ظلمت و نور: متضاد

الهی

الهی نامه: خواجه عبدالله انصاری، معروف به «پیر هرات»

☀️ آثار: الهی نامه، مناجات نامه

☀️ « الهی دلی ده که در کار تو جان بازیم، جانی ده که کار آن جهان سازیم »

نثر روان: خدایا، به ما شجاعتی بده که برای تو خود را فدا کنیم و جانی به ما ببخش که بتوانیم برای آخرت خود کار مفیدی انجام دهیم.

☀️ دل داشتن: ← کنایه از شجاعت ☀️ جان باختن: ← کنایه از فداکاری

☀️ « دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم »

نثر روان: خدایا آگاهی و بصیرتی به ما ببخش که در راه رسیدن به تو گمراه و منحرف نشویم.

☀️ بینایی: بصیرت و آگاهی ☀️ دانایی: علم و دانش

☀️ از راه افتادن: ← کنایه از گمراه شدن ☀️ در چاه افتادن: ← کنایه از منحرف شدن

☀️ راه و چاه: ← متضاد

« دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا در دین استوار شویم، نگاه دار تا پریشان نشویم.» ✨

نثر روان: پروردگارا به ما کمک کن چون جز تو یآوری نداریم، خدایا با ما همراهی کن تا در کار دین استوار و محکم باشیم، خداوندا از ما مواظبت کن تا نگران و پریشان نشویم.

❁ دست آویز: کسی که به او پناه می‌برند، کسی که کمک می‌کند. (یاور)

❁ توفیق: همراهی و موافقت ❁ استوار: محکم ❁ دستگیر: ← کنایه از کمک کن

فائزه محرابی

مصطفی ناصری

زنگ آفرینش

شاعر: قیصر امین پور

قالب: چهارپاره

✨ آثار: در کوچه های آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو، آیینه های ناگهان

بیت اول:

صبح یک روز نو بهاری بود روزی از روزهای اول سال

نثر روان: صبح یک روز زیبای اول بهار و آغاز سال بود.

بیت دوم:

بچه ها در کلاس جنگل سبز جمع بودند دور هم خوشحال

نثر روان: بچه های جنگل، شاد و خوشحال در کلاس، دور هم جمع شده بودند.

بیت سوم:

بچه ها گرم گفت و گو بودند باز هم در کلاس غوغا بود

گرم: مشغول ✨ غوغا: آشوب، فریاد

نثر روان: دانش آموزان و بچه های کلاس همه مشغول صحبت کردن بودند و دوباره کلاس پر از سر و صدا شده بود.

گرم گفت و گو بودن: ← کنایه از مشغول بودن به انجام کاری

بیت چهارم:

هر یکی برگ کوچکی در دست باز انگار زنگ انشا بود

انگار: گویی، مثل اینکه ✨

نثر روان: هر یک از دانش آموزان کلاس جنگل سبز برگ کوچکی را در دست داشت مثل اینکه دوباره زنگ انشا بود.

بیت پنجم:

تا معلم ز گرد راه رسید گفت با چهره ای پر از خنده

نثر روان: همین که معلم از راه رسید و وارد کلاس شد با چهره ی خندان به بچه ها گفت:

(معنی این بیت با بیت بعد کامل می شود.) ✨ از گرد راه رسیدن: ← کنایه از وارد شدن

بیت ششم:

باز موضوع تازه ای داریم آرزوی شما در آینده
 نثر روان: دوباره موضوع جدیدی داریم؛ آرزوی شما در آینده چیست؟

بیت هفتم:

شب‌نم از روی برگ گل برخاست گفت: می‌خواهم آفتاب شوم
 نثر روان: شب‌نم از روی برگ گل بلند شد و گفت: من دوست دارم مانند آفتاب باشم.
 برخاستن شب‌نم: ← تشخیص

بیت هشتم:

ذره ذره به آسمان بروم ابر باشم دوباره آب شوم
 ذره ذره: کم کم
 نثر روان: دوست دارم کم کم بخار شوم و به آسمان بروم و مانند ابری شوم و مثل باران ببارم.

بیت نهم:

دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند
 غلتیدن: از پهلویی به پهلوی دیگر شدن
 نثر روان: دانه به آرامی بر روی زمین حرکت کرد، رفت و انشای کوتاه خود را خواند.
 خواندن انشا و غلتیدن دانه: ← تشخیص

بیت دهم:

گفت باغی بزرگ خواهم شد تا ابد سبز سبز خواهم ماند
 ابد: زمانی که انتها ندارد، همیشه
 نثر روان: دانه گفت: من مانند باغی بزرگ خواهم شد و تا همیشه سرسبز و شاداب خواهم ماند.

بیت یازدهم:

غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم مثل لبخند باز خواهم شد
 دلتنگی: ناراحتی
 نثر روان: غنچه هم گفت: اگرچه ناراحت و غمگین هستم دوباره مثل لبخند زیبا خواهم شد.




دلتنگ بودن: ← کنایه از غمگینی  غنچه گفت: ← تشخیص

بیت دوازدهم:

با نسیم بهار و بلبل باغ گرم راز و نیاز خواهم شد
نثر روان: همراه با نسیم بهاری و بلبل باغ مشغول گفت و گو و صحبت خواهم شد.

بیت سیزدهم:


جوجه گنجشک گفت: می خواهم فارغ از سنگ بچه ها باشم
فارغ: آسوده و راحت 

نثر روان: جوجه گنجشک گفت: من دوست دارم ؛ بچه ها من را اذیت نکنند و با سنگ نزنند.

بیت چهاردهم:


روی هر شاخه جیک جیک کنم در دل آسمان رها باشم
نثر روان: آرزو می کنم بتوانم روی شاخه ها آواز بخوانم و در آسمان راحت و آسوده پرواز کنم.

بیت پانزدهم:

جوجه کوچک پرستو گفت: کاش با باد رهسپار شوم
رهسپار: عازم سفر شدن، رفتن 

نثر روان: جوجه کوچک پرستو گفت: ای کاش می توانستم همراه با باد عازم سفر بشوم و بروم.

بیت شانزدهم:

تا افق های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم
أفق: کرانه آسمان، دوردست ها 

نثر روان: تا دوردست ها و تا کرانه های آسمان پرواز کنم و با خود پیام آمدن فصل بهار را بیاورم.




بیت هفدهم:

جوجه های کبوتران گفتند: کاش می شد کنار هم باشیم

نثر روان: جوجه کبوترها گفتند: ای کاش ما همیشه در کنار همدیگر بمانیم و از هم دور نشویم.

بیت هجدهم:


توی گلدسته های یک گنبد روز و شب زائر حرم باشیم

گلدسته: مناره  گنبد: سقف بزرگ به شکل نیم گره  زائر: زیارت کننده 


نثر روان: روز و شب بر روی مناره ها و گلدسته های مسجد و زیارتگاه ها باشیم و بتوانیم با خدا راز و نیاز کنیم.

بیت نوزدهم:

زنگ تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد

زنجره: حشره ای که از خود صدا تولید می کند، سیر سیرک 

نثر روان: وقتی که زنجره از خود صدا در آورد و زنگ تفریح را زد؛ دوباره کلاس سرشار از سر و صدا و غوغای بچه ها شد.

زنگ زدن زنجره: ← تشخیص 

بیت بیستم:

هر یک از بچه ها به سویی رفت و معلم دوباره تنها شد

نثر روان: وقتی زنگ تفریح خورد، همه ی بچه ها بیرون رفتند و معلم دوباره در کلاس تنها شد.


بیت بیستم و یکم:

باخودش زیر لب چنین می گفت: آرزوهایتان چه رنگین است!

نثر روان: معلم با خودش زمزمه می کرد و می گفت: بچه ها آرزوهای شما چقدر رنگارنگ و زیباست!

بیت بیست و دوم:

کاش روزی به کام خود برسید بچه ها آرزوی من این است!

کام: آرزو 

نثر روان: بچه ها، تنها آرزوی من برای شما این است که در آینده به آرزوهای زیبای خود برسید.

دانش زبانی: جمله

جمله: به کلمه یا مجموعه ای از کلمات می گویند که معنی کاملی داشته باشد. برای انتقال پیام از گوینده به شنونده یا از نویسنده به خواننده از « جمله » استفاده می شود.

مثال: الف) **آهو به تندی می دود و فرار می کند.** ب) **کلاس ها به زودی برگزار می شود.**

فعل به تنهایی یک جمله است چون معنی کاملی دارد مانند بخش دوم قسمت « الف »: « فرار می کند » فعل است و یک جمله محسوب می شود، پس قسمت الف دارای دو جمله است.

پ) « **با نسیم بهار و بلبل باغ گرم راز و نیاز خواهیم شد** » روی هم یک جمله است و فقط یک فعل دارد. (خواهم شد)

ت) « **تابستان با همه گرما و سختی هایش** » یک جمله نیست. زیرا هر چند که از تعدادی کلمه تشکیل شده است، اما معنای آن کامل نشده است و فعل ندارد.

نکته: ندا و منادا و شبه جمله (صوت) هم به تنهایی یک جمله محسوب می شوند. مانند: الهی، ای خدا، یا خدا، ای کاش، افسوس و...

مثال: الهی دلی ده ← دو جمله است: جمله اول (الهی، منادا هست). جمله دوم «ده» (فعل) است و فعل به تنهایی معنی کامل دارد.

مثال: ای کاش، قدر عمر را بدانیم ← دو جمله است: جمله اول «ای کاش»: شبه جمله و صوت است «جمله دوم: قدر عمر را بدانیم»

نکته: برای شمارش تعداد جمله ها به موارد زیر دقت کنید:

۱- فعل های موجود و حذف شده را بشماریم.

۲- شبه جمله ها و ندا و منادا ها را بشماریم.



مثال: زنهار، مزین دست به دامان گروهی کز حق بپریدند و به باطل گرویدند. ← چهار جمله دارد

مثال: ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز ← سه جمله دارد

ای (خدا) نام تو بهترین سرآغاز (است) بی نام تو نامه کی کنم باز

برگرفته از کتاب «گلستان سعدی»




یاد دارم که در ایام طفولیت، مُتعبَد و شب خیز بودم.


ایام: روزها  طفولیت: کودکی  متعبّد: عبادت کننده

شب خیز: کسی که شب برای عبادت بیدار است.

نثر روان: به یادم هست وقتی کودک بودم؛ شب ها برای عبادت بیدار بودم.

شبی در خدمت پدر، رحمه الله علیه، نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مُصحف عزیز برکنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته.

رحمه الله علیه: خدا او رحمت کند  دیده: چشم  مصحف: کتاب، قرآن  طایفه: گروه

خفته: خوابیده 

نثر روان: یک شب پیش پدرم که خدا او را رحمت کند، نشسته بودم و تمام شب را برای عبادت بیدار بودم و قرآن عزیز در کنارم بود و گروهی در نزدیکی ما خوابیده بودند.


دیده برهم نبستن: ← کنایه از نخوابیدن

پدر را گفتم: «از اینان یکی سر بر نمی دارد که دو گانه ای بگزارد. چنان خواب غفلت بُرده اند که گویی نخفته اند که مُرده اند.»

را: به  سر بر نمی دارد: بیدار نمی شود  دو گانه: نماز صبح  بگزارد: بخواند، به جا بیاورد

گویی: مثل اینکه  غفلت: بی خبری 

نثر روان: به پدرم گفتم: «از این گروه حتی یک نفر هم برای خواندن نماز صبح بیدار نمی شود، آنها آن چنان در خواب بی خبری هستند که حرکتی ندارند و مثل اینکه مرده باشند.»

سر بر نداشتن: ← کنایه از بیدار نشدن 

گفت: «جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خُلق آفتی.»

به: بهتر  پوستین: لباس 

نثر روان: پدرم گفت: «ای فرزند عزیزم! تو هم اگر بخوابی بهتر است از اینکه از مردم غیبت کنی.»

در پوستین خلق افتادن: ← کنایه از غیبت کردن 